

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۲ دسمبر ۲۰۲۰

شعرخوانی اردوخان و هیاهوی جمهوری اسلامی ایران بر سر هیچ و پوچ!

ایران بر سر ترانه سرود معروفی به نام «آراز آراز» (ارس ارس) جنجالی به پا کرده است جنجالی بر سر هیچ و پوچ! در حالی که پشت پرده این جنجال جمهوری اسلامی واقعیت‌های دیگری نهفته است که فعلاً به زبان نمی‌آورد. اما قبل از این که به این واقعیت‌ها و تحولات اخیر قریباغ کوهستانی اشاره کنم باید تأکید کنم که دولت ترکیه و در رأس آن رجب طیب اردوخان رئیس جمهوری این کشور با تفکر عثمانی‌گری خود مدت‌هاست که دچار بیماری‌های مالیخولیایی و بلندپروازی‌هایی شده است که در تاریخ اخیر کمتر دیده و شنیده شده است. او و دولتش یک تنه هم با مخالفان داخلی کشور و در خارج از مرزهایش در سوریه و لیبیا و بحیره مدیترانه و همچنین اتحادیه اروپا در حال شمشیر زدن است. اکنون نیز ماجرای قریباغ به جولانگاه جدید ارتش ترکیه و تروریست‌هایی که در سوریه از آن‌ها حمایت می‌کند تبدیل شده است. بنابراین تکلیف اردوخان با افکار ناسیونالیستی و مذهبی و فاشیستی و توسعه‌طلبی روشن است. اما ترانه سرودی که او در آذربایجان قرائت کرد و سران جمهوری اسلامی بر آشفتنده حقیقتاً هیچ ربطی به «تجزیه‌طلبی» و مخالفت با «تمامیت ارضی ایران» و حتی با خود «جمهوری اسلامی» ندارد. در عین حال برای ما روشن نیست که به چه دلیل مشاوران اردوخان این شعر را برای او انتخاب کرده بودند.



اردوخان که به جمهوری آذربایجان سفر کرده بود روز پنجشنبه ۲۰ آذرماه [قوس] ۱۳۹۹، در یک مراسم رژه نظامی در باکو در کنار الهام علی‌اف، همتای خود در جمهوری آذربایجان، بخشی از موسیقی فولکلور «آراز آراز» را خواند که دربرگیرنده دردها و رنج‌ها و آرزوهای مردم این منطقه خطاب به رود ارس است.

در بخشی از شعر رود «آراز آراز» (ارس ارس) به «جدائی تحمیلی» اشاره شده است. رود ارس پس از عهدنامه گلستان به عنوان مرز ایران و روسیه انتخاب شد و سپس بر اساس عهدنامه ترکمانچای تمامی مناطق شمال این رود از ایران جدا و به خاک روسیه ملحق گردید.

در پی شعرخوانی اردوخان، سعید خطیبزاده، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، روز جمعه ۲۱ آذر، از احضار سفیر ترکیه در تهران در واکنش به اظهارات «مداخله‌جویانه و غیرقابل قبول» رئیس جمهوری ترکیه در سفر به باکو خبر داد.

به گزارش ایسنا، خطیبزاده افزود: «ضمن ابلاغ مراتب اعتراض شدید، به سفیر تأکید شد جمهوری اسلامی ایران خواستار توضیح فوری دولت ترکیه در این خصوص است.»

سخنگوی وزارت خارجه ایران ادامه داد: «در جریان این احضار به سفیر ترکیه ابلاغ شد که دوران ادعاهای ارضی و امپراتوری‌های جنگ افروز و توسعه‌طلب سال‌هاست که سپری شده است.»

پیش از این نیز صبح جمعه محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در پیامی توییتی در واکنش به اظهارات اردوخان نوشته بود: «به اردوخان نگفته بودند شعری که به غلط در باکو خواند مربوط به جدائی قهری مناطق شمالی ارس از سرزمین مادریشان ایران است!»

او در ادامه به طور غیرمستقیم اردوخان را به مداخله در امور ایران متهم و اضافه کرد «هیچ کس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند.»

البته دو روز پیش از توثیت ظریف جیهون بایراموف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان به تهران سفر کرد. ظریف از وزیر خارجه آذربایجان در ساختمان وزارت خارجه ایران در تهران استقبال کرد.

اما در استقبال رسمی ظریف از جیهون بایراموف، از پرچم چین و چروکدار آذربایجان استفاده شده بود که گویا هیأت اعزامی آذربایجان به آن اعتراض کرده است. در شبکه‌های اجتماعی انتشار تصاویر این پرچم سر و صدا کرد.

طاها کرمانی، روزنامه‌نگار امور ترکیه و ایران در پست توییتی خبر داد که در دیدار رسمی جیهون بایراموف وزیر خارجه آذربایجان از ایران «پرچم چروکیده» آذربایجان را گذاشته‌اند.

اما شعری که اردوخان قرائت کرد «آراز آراز» نام دارد یعنی «ارس ارس». رودخانه‌ای که بین جمهوری آذربایجان و آذربایجان ایران قرار دارد. برای این رودخانه به دلایل مختلف تاریخی اشعاری مختلفی سروده و یا ترانه‌سروده‌های خوانده شده است اما در رابطه با شعر «آراز آراز» دو روایت مختلف دارد:

۱- خیلی قدیم‌ها شاعری این شعر را برای ارس سروده است.

تخلص محمد ابراهیم‌وف، یکی از بزرگترین شاعران باکو «آراز» بود که به رود ارس اشاره دارد. «دنیا مال تو، مال من است» و «گر جنگ نبود» از مهم‌ترین سروده‌های این شاعر نامی آذربایجانی است که می‌گوید:

«گر جنگ نبود

با ذوب کردن اسلحه‌ها در کوره

می‌توانستیم پلی بین زمین و مریخ بسازیم

گر جنگ نبود

محصول هزار سال

در یک روز به عمل می‌آمد

«...»

۲- شعر زیر نیز به مناسبت غرق شدن صمد بهرنگی در ارس سروده شده است. آراز با صدای «محمدعلی پرخواه» به یاد زنده‌یاد «صمد بهرنگی»، نویسنده و شاعر و معلم آذربایجانی و «ماهی سیاه کوچولو» و... خوانده است. این ترانه را خیلی‌ها خوانده‌اند و بسیاری از مردم آذربایجان هم آن را حفظ هستند. صمد بهرنگی هم در این رودخانه خروشان غرق شد و بسیاری هنوز هم بر این عقیده‌اند که عوامل ساواک او را در آراز خفه کردند. بخش‌هایی از این ترانه را که سینه به سینه منتقل شده است، به شرح زیر است:

Araz Araz xan Araz
Sultan Araz xan Araz
Səni görüm yanasan
Bil dərdimi qan Araz

آراز، آراز، ای خان آرا
آراز سلطان، آراز خان
الهی که بسوزی تو
بدان دردم را، بفهم

Arazi ayırdılar
Qumunan doyurdular
Mən səndən ayrılmazdım
Zülmünən ayırdılar

آراز را دو شاخه کردن
با خاک سیرایش کردند
من از تو جدا نمی شدم
با ستم جدای مان کردند

Axıttın gözüm yaşını
Görüm qurusun daşını
Səni görüm yanasan
Bəs neylədin yoldaşın?

اشکم را جاری کردی

الهی که خشک شوی
الهی که بسوزی تو
دوستت را چه کردی؟

Sən deyirdin ki heç vaqt
Qara balıq yatmad
Gedib yoldaş axtardı
Saqqalardan qorxmadı

تو می گفتی که هیچ وقت
ماهی سیاه کوچولو نمی خوابید
می رفت تا دوستی پیدا کند
از مرغ های ماهی خوار نمی ترسید

Mən aşiq dan banıdı
Səhərin dan banıdı
İçmə Arazın suyun
Səmədin al qanıdı

من عاشق، هنگام صبح است
وقت سپیده دمان است
از آب آراز ننوش که
خون سرخ صمد است آن

Araz səndən kim keçdi
Kim qərq oldu kim keçdi?
Səmədi sən boğmazdın
Söylə bağrın kim deşd

ای آراز چه کسی از تو رد شد؟
چه کسی غرقه شد و چه کسی رد شد؟
تو که صمد را خفه نمی کردی
بگو چه کسی جگرش را پاره کرد؟

Arazam batmam quma
O gəlmişdi qoynuma
Arxadan düşməni vurub
Qanın yıxdı boynuma

آراز هستم و در خاک فرو نمی‌روم
او (صمد) به آغوشم آمده بود
او را دشمن از پشت زد
و خونس را به گردنم انداخت.

جالب‌تر آن است که خبرگزاری دولتی ایسنا نیز ادعا کرده این شعر فولکور «یکی از نمادهای جدائی‌طلبی پان ترکیست‌ها» است.

می‌بینیم که در این ترانه سرود خلاف ادعاهای سران و مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، غیر از بیان احساسات و عواطف انسانی، درد و رنج و آرزوهای مردمی، هیچ نشانه‌ای از تجربه‌طلبی و پان ترکیستی وجود ندارد. به علاوه اشعار و ترانه‌ها هم جهان‌شمول هستند و هم مردم جهان مجازند به تقلید از همدیگر و یا همبستگی با همدیگر ترانه سرودها همدیگر را بخوانند و منتشر کنند.

سران و مقامات جمهوری اسلامی هم این مسأله را بخوبی می‌دانند اما مانند همه سیاست‌های ارتجاعی و پنهان‌کاری‌ها و دروغ‌گویی‌هایشان در این ماجرا هم سنگ تمام گذاشته‌اند. در حالی که اکنون دعوای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه به یک جای حساس رسیده و احتمالاً دوره بده و بستانی که در یک دهه گذشته در جنگ داخلی سوریه و کشتار مردم و ویرانی این کشور داشتند در ماجرای قره‌باغ نمی‌توانند تکرار کنند.

واقعیت این است که در جنگ اخیر آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ کوهستانی سر جمهوری اسلامی ایران کاملاً بی‌کلاه مانده است. من در مطلبی که چند روز اخیر تحت عنوان «برندگان و بازندگان جنگ اخیر ارمنستان و آذربایجان در قره‌باغ کوهستانی!» نوشته بودم و هم‌اکنون در شبکه‌های اجتماعی و فیس‌بوک قابل دسترسی است در این باره مفصل توضیح داده‌ام. از جمله در مقدمه این مطلب نوشته بودم: «جنگ اخیر بین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ کوهستانی ظاهراً به پیروزی آذربایجان و شکست ارمنستان منجر شد. در حالی که اگر به معنای واقعی تحولات منطقه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم بازندگان این جنگ مردم آذربایجان و ارمنستان و برندگان واقعی نیز روسیه و اسرائیل و تا حدودی ترکیه بوده است اما در این میان، سر جمهوری اسلامی ایران کاملاً بی‌کلاه مانده است.» اما در اینجا به اختصار بگویم که:

جمهوری اسلامی ایران در جنگ اخیر قره‌باغ به دلیل بحران‌های اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک نتوانست مانند گذشته دخالت کند و در کنار ارمنستان بایستد. در سه دهه اخیر جمهوری اسلامی همواره در مناقشه جمهوری‌ها آذربایجان و ارمنستان در کنار ارمنستان بوده است. به این دلایل که نخست حاکمیت آذربایجان یک حاکمیت سکولار است و جمهوری اسلامی از بیخ و بن با آن مخالف است. به همین خاطر در دهه‌های اخیر جمهوری اسلامی سعی کرده است جمهوری لاییک آذربایجان توسط مذهب‌یون سقوط کند اما تاکنون موفق نشده است. اکنون بسیاری از طرفداران جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان به دلیل تلاش برای سرنگون جمهوری سکولار زندانی هستند.

دوم این که جمهوری آذربایجان رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگی با اسرائیل دارد و ماموران پلیس مخفی اسرائیل (موساد) در آذربایجان و در مرزهای ایران بسیار فعال هستند.

همچنین آذربایجان یکی از مشتریان دایمی سلاح‌های پیشرفته اسرائیل است و حتی در این ۴۴ روز جنگ بین ارمنستان و آذربایجان همچنان سیل ارسال سلاح‌های مدرن و مخرب اسرائیل به آذربایجان سرازیر بوده است.

جنگ قره‌باغ میان آذربایجان و ارمنستان از ۲۷ سپتامبر - ۶ مهر تا ۱۰ نوامبر - ۲۰ آبان به‌دراز کشید و آذربایجان هفت منطقه اشغالی را از ارمنه بازپس گرفت. با توافق سه‌جانبه آذربایجان، ارمنستان و روسیه قرار شد منطقه قره‌باغ به‌مدت پنج سال زیر نظارت نیروهای حافظ صلح روسیه قرار بگیرد.

کماندوهای ویژه ارتش ترکیه و پهپادهای این کشور که در پیروزی نیروهای جمهوری آذربایجان نقش مهمی بر عهده داشتند در رژه نظامی مشترک در باکو شرکت داشتند.

همچنین گفته می‌شود که ترکیه صدها تن مزدور سوری خود را به آذربایجان فرستاده است و قبلاً هم به لیبی فرستاده بود.

توافق بر سر آتش‌بس در منطقه قره‌باغ با میانجی‌گری ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه حاصل شد. نیروهای روسی نظارت بر آتش‌بس و کنترل بخشی از مناطق آزاد شده را برای یک دوره زمانی پنج ساله بر عهده دارند. اکثریت ساکنان منطقه قره‌باغ ارمنی هستند و بخشی از آن‌ها با پیشروی نیروهای ارتش جمهوری آذربایجان و حامیان مجبور به ترک خانه‌های خود شدند.

در این جنگ اخیر و آتش‌بس جمهوری اسلامی ایران به دلایل بحران‌های داخلی و منطقه‌ای و جهانی خود نه تنها منزوی شد، بلکه به لحاظ اقتصادی و امنیتی نیز آسیب شدید دید از جمله:

- اکنون به لحاظ سیاسی - امنیتی مزدورانی که دولت ترکیه از سوریه به آذربایجان فرستاده با ایران هم مرز شده‌اند.

- در این منطقه مستشاران نظامی اسرائیلی و ماموران موساد نیز حضور فعالی دارند.

- سابقاً در این منطقه جمهوری اسلامی با ارمنستان هم مرز بود و اکنون با آذربایجان هم مرز شده است.

از نظر اقتصادی نیز:

- سابقاً رابطه زمینی جمهوری آذربایجان با منطقه خودمختار نخجوان از طریق ایران بود اکنون با تغییر مرزها جمهوری آذربایجان و منطقه خودمختار آن نخجوان به هم وصل شده‌اند و اکنون نیازی به رفت و آمد از ایران و پرداخت گمرک به ایران ندارند.

- تاکنون رابطه زمینی روسیه و ارمنستان از طریق ایران بود اکنون آن‌ها نیازی به رفت و آمد از ایران ندارند و مستقیماً با همدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند.

- ترکیه سابقاً ترانزیت مستقیم با آذربایجان نداشت اما با تغییراتی که در پیش است این رابطه مستقیم برقرار خواهد شد. به این ترتیب مشکل و کشمکش جمهوری اسلامی ایران با ترکیه و آذربایجان بر سر مسایل بالاست اما فعلاً به هر دلیلی مصلحت را در این دیده‌اند که غیرمستقیم بر سر قرائت یک ترانه سرود قدیمی توسط اردوغان بر سر ارس که هیچ ربطی به مسایل امروز این منطقه ندارد جنجال به پا کنند.

حتی سابقاً حاکمان ترکیه و ایران بر سر سرکوب مردم کرد به ویژه حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) با هم همکاری نزدیکی داشتند اما اخیراً ترکیه اعلام نمود که دیوار امنیتی که در مرزهای ترکیه با ایران در دست ساختمان بود به پایان رسیده است بنابراین احتمالاً مقامات ترکیه فکر می‌کنند که در این زمینه نیز به همکاری‌های جمهوری اسلامی مانند سابق چندان نیازی ندارد.

در جمع‌بندی می‌توان تاکید کرد که تاکنون سر سران و مقامات و نهادهای حکومت‌های روسیه و ایران و ترکیه در رابطه با سوریه در یک آخور بودو یعنی حکومت‌های روسیه و ایران از حکومت آدمکش بشار اسد حمایت می‌کنند و حکومت ترکیه نیز با تمام قدرت از گروه‌های مذهبی تروریستی مانند داعش و القاعده و ارتش آزاد سوریه و غیره در مقابل حکومت بشار اسد دفاع می‌کند عامل اصلی ویرانی سوریه و کشتار بیش از نیم میلیون تن از جمعیت این کشور و آوارگی بیش از ۱۰ میلیون شهروند سوری هستند اکنون نباید مردم جمهوری آذربایجان و ارمنستان این‌ها را ناجی صلح بدانند. به خصوص هر دو حکومت آذربایجان و ارمنستان شدیداً فاسد هستند و در این جنگ و مناقشه تنها به فکر بقای حاکمیت و موقعیت خود هستند!

به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران با ترکیه دعوایی بر سر لحاف ملا راه انداخته که کم‌ترین ربطی به واقعیت‌ها ندارد. برای این که حکومتی فاسد و آلوده به هزاران میکروب و ویروس کشنده‌تر از ویروس کرونا است. این حکومت همواره از بیان واقعیت‌ها ترس و وحشت دارد و اکنون نیز همان سیاست تزویر و ریاکاری را در پیش گرفته است. در چنین روندی باید منتظر بمانیم و ببینیم که آیا روسیه و ترکیه و ایران بر سر مردم قرمباغ همان بلایی را خواهند آورد که در ده سال گذشته بر سر مردم سوریه آورده‌اند؟ و یا بین خود دچار کشمکش و درگیری خواهند شد؟!

جمعه بیست و یکم آذر [قوس] ۱۳۹۹ - یازدهم دسمبر ۲۰۲۰